

سخنرانی جناب آقای دکتر سید محمد حسین عادلی
ریاست کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
و رئیس هیأت امنای مؤسسه بانکداری ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا به همه شما عزیزانی که بدین سمینار تشریف آورده‌اید خوش آمد می‌گویم و خدای را شکر می‌کنم که سه سال پی در پی توانسته‌ایم هر سال برای بحث و بررسی مسائل بانکداری سمیناری ترتیب دهیم. تلاش‌های جناب دکتر فرهندی و همکارانش را در توسعه بانکداری ایران سپاس می‌گویم و امیدوارم که در این سمینار نیز مانند دو سال گذشته، در رابطه با بانکداری اسلامی، بحث‌ها و اظهار نظرهایی سودمند داشته باشیم. برای این که بتوانیم گامهای بیشتر و بلندتری به پیش برداریم و مسائل سمینار و بانکداری اسلامی را به خوبی بشکافیم، قصد آن ندارم که وقت زیادی بگیرم. تنها به دو نکته اشاره می‌کنم:

نکته اول: این است که قانون بانکداری بدون ربا و تغییر نظام اجرایی بانکداری از آنچه که بود به آنچه که الان وجود دارد می‌باید به عنوان بزرگترین تحول اقتصادی کشور ما، بعد از انقلاب اسلامی تلقی شود. هیچ ارگان دیگری، هیچ سازمان اجرایی دیگری نمی‌تواند ادعا کند که به اندازه سیستم بانکی در خلال سالهای بعد از انقلاب

تحول بنیادی پیدا کرده است. چون در مسائل مربوط به بخشهای دیگر اقتصاد و یا مسائل سازمانهای اجرایی دیگرمان به آن صورت و با آن دقتی که در بانکداری اسلامی تدوین شده، تحول پیدا نکرده است. این است که ما قدم اول را به عنوان یک قدم سنگین و بزرگ بعد از تمام کوشش و تلاشهایی که در خلال سالهای اولیه - یعنی سال ۵۹ - ۶۰ - ۶۱ - ۶۲ و ۶۳ انجام پذیرفت برداشته‌ایم و نظام اجرایی ما به تدریج خودش را با مفاهیم و روح این قانون منطبق کرده است به طوری که ما امروز متفخر هستیم به این که در نظام اجرایی سیستم بانکی توانسته‌ایم تا حد زیادی روح قانون بانکداری بدون ربا را به اجرا درآوریم و عملیات مختلف را چه از دید سپرده گذاری چه از دید اعطای تسهیلات در قالب معاملات شرعی قرار دهیم. البته در این قدم اول، فقط کافی نیست که سازمان اجرائی بانک و سیستم بانکی با این روح خو بگیرد بلکه طرف دوم معاملات ما که مردم باشند، آنها هم جایگاه ویژه‌ای دارند، آنها هم باید خودشان را با این مفاهیم آشنا کنند و وقتی که به گیشه یک بانک مراجعه می‌کنند همان احساسی را داشته باشند که با یک دوستشان در خانه می‌نشینند و صحبت از شراکت می‌کنند: بیاییم با یکدیگر شریک شویم، کار از من پول از تو یا این که با یکدیگر این مقدار پول بگذاریم مغازه‌ای باز کنیم، کارخانه‌ای بزنیم یا ساختمانی را بسازیم، با همان احساسی که نسبت به دوستش دارد، مان احساس را باید پشت گیشه بانک داشته باشد. البته من در این مورد نمی‌توانم قضاوت کنم که حالا همه مردم ما، همه مراجعین به سیستم بانکی، همه با این روحیه آشنا هستند و وقتی به بانک می‌روند و درخواست می‌کنند تسهیلاتی به آنها داده شود و مشارکت شود این روحیه را دارند چه این روحیه یعنی تغییر روحیه یک ملت و تجدیدنظر در شیوه فکر کردن نسبت به یک مطلب چیزی نیست که در خلال یکی دو سال آن هم فقط با تبلیغات یا روابط عمومی یک سازمان یا یک ارگان بتواند اجرا شود، این به بسیج همگانی رسانه‌های عمومی ما نیاز دارد برای این که بتوانند این طرز تفکر و این شیوه برخورد را به مردم تعلیم دهند تا بتوانند این روحیه را انشاء... در آنها بیافرینند. این چیزی است که در بلندمدت به وجود می‌آید. خوشبختانه ما شاهد تغییر و تحولاتی

هم در این زمینه بوده‌ایم. به هر حال نکته اول این است که ما قدم اول را برداشته‌ایم که نظام ربوی را به صورت نظام غیرربوی دریاوریم. ما امروز حاضر نیستیم که عقب‌گرد کنیم، در این مورد بحث کنیم که آیا این قدمی که برداشته‌ایم چگونه بوده یا نبوده است. حاضریم که اشکالات مربوط و موجود را بشکافیم، شناسایی کنیم، حل کنیم و قدمی به جلو برداریم ولی اگر بیاییم مثلاً بحث‌های اندک یا فراوانی را که در سال ۶۲ انجام شده است مورد بررسی دوباره قرار دهیم، در حقیقت عقب‌گرد کرده‌ایم. جامعه امروز ما جامعه متحولی است، دنیای امروز ما دنیای متحولی است. همین امروز در ایران ما آنقدر رونق سرمایه‌گذاری به وجود آمده و تقاضا برای سرمایه‌گذاری و موافقت اصولی برای تسهیلات بانکی - تقاضا برای توسعه طرحهای موجود به وجود آمده است که شما همه‌تان اطلاع دارید که سیستم بانکی با عملیات سستی خودش توانایی مقابله با آن را ندارد و الان فقط تنها منبعی که برای تمام این تقاضاها وجود دارد فقط یک سری عملیات ساده است. ما در مرحله دوم باید به فکر سایر کارهایی باشیم که این تقاضاها را پاسخ بدهد. من می‌خواهم بگویم که قدم اول برداشته شده، حالا قدم دوم این است که بنشینیم و فکر کنیم که چه کارهای دیگری باید بکنیم که علاوه بر این که مشکلات سیستم موجود را حل کنیم، نیازهای اجرایی موجود را نیز تامین کنیم، علاوه بر این. تقاضاهای جدید و سایر کارهای جدید را باید پاسخ دهیم. آقای دکتر نوربخش اشاره کوچکی داشتند، من می‌خواهم کمی مفصل‌تر در این مورد صحبت کنم. همانگونه که می‌دانید در سال ۱۹۷۳ سیستم پولی دنیا تغییر کرد، سیستم استاندارد طلا منسوخ شد. زمانی که اسکناس نماینده‌ای از مقداری طلا بود گذشت. الان اسکناس نماینده طلا نیست. الان شما نمی‌توانید دلارهای جمع‌آوری شده در سطح بین‌المللی را جمع کنید بروید بدهید به بانک مرکزی آمریکا و بگویید همچند این همه دلار شما لطفاً طلا به من بدهید یا فرانکهای فرانسه را جمع کنید بدهید به فرانسه بگویید به من طلا بده. شما همه صاحب‌نظر هستید، خوانده‌اید و می‌دانید الان پشتوانه این اسکناسها طلا نیست، به خودی خود دارای جایگاههایی در نظام پولی است که باید راجع به آن فکر شود و به سئوالاتی

که در این زمینه وجود دارد پاسخ داده شود. آیا تمام احکام ناظر بر دنیا رو درهم آن موقع که به صورت سکه و با فلز گرانبهائی مضروب شده بود. الان همزمان با این تحولات می تواند به تمامی ناظر بر اسکناسهای کاغذی باشد؟

آیا بانک مکانی است برای حفاظت فیزیکی از پول که شما پولتان را بدهید و بانک چون گاو صندوق دارد آن را نگه دارد که مبدا دزدی بیاید و دستبرد بزنند؟ یعنی استنباط بسیار بسیار قدیمی از بانک. آیا بانک این است که نگهداری فیزیکی از پول بکند؟ و شما - که متشرع و متدین هستید و عامل به احکام دین، از نظر اقتصادی آنقدر منطقی هستید که اگر صد هزار تومان پول داشته باشید در ابتدای یک سال بخواهید این را پس انداز کنید حاضر نیستید این پول را به صورت نقد یک گوشه ای نگه دارید. می روید با این پول سعی می کنید یک کالای بادوام بخرید نظیر افراد ملت ما که در خلال سالهای جنگ پولهای خودشان را به صورت دلار - سکه - فرش - واحد مسکونی، به صورت کالاهای بادوام نگهداری می کردند و حتی کسانی که پس اندازهای جزئی داشتند به محض این که پول اضافی به دستشان می رسید به تصور این که خداوند دختری به آنان عنایت خواهد کرد و انشاء... بعد از بیست سال هم ازدواج خواهد کرد از همان موقع در تدارک تجهیزه شروع می کردند یخچال و لوازم اضافی و انواع کالاهای بادوام را خریداری کردن. این منعکس کننده چه چیزی است؟ منعکس کننده این است که افراد می خواهند ارزش پولشان حفظ شود. کالای بادوام بخرند و دانسته و ندانسته در جامعه ایجاد تورم نمایند. تقاضای اضافی و کاذب و ایجاد تورم. خوب ما در این مورد چه پاسخی داشتیم؟ آیا می توانستیم جلوی آن را بگیریم؟ نمی توانستیم در آینده هم نمی توانیم بگیریم. قطعاً اگر شما پاسخگو نباشید. صاحب نظران فقهی و اقتصادی اگر پاسخگوی نباشند، مطمئن باشید راه دیگری پیدا می شود و می روند این کار را انجام می دهند. از راههای دیگر وارد می شوند و تالی فاسدهایی هم می آورند. الان واقعاً این همه تقاضا برای سیستم بانکی وجود دارد، برای پول سیستم بانکی. خوب، ما دو راه داریم، یا همه اینها را تامین کنیم که اگر تامین کنیم برخلاف تعهد خودمان نسبت به ارزش

پول عمل کرده ایم چون باید پول چاپ بزنیم، منتشر کنیم، هرکس که بیاید بگوییم آقا الی النهایه هر قدر که بخواهید ما به شما پول می دهیم. همه تقاضاهای بخش صنعت، همه تقاضاهای بخش کشاورزی، همه تقاضاهای بخش مسکن را، همه را تامین می کنیم. یک زمانی حساب کرده بودند می گفتند که تسهیلات بخش مسکن را کم داده اید. عددی که از مانده تسهیلات بخش مسکن در سال گذشته در ذهن دارم ۴۸ هزار میلیارد ریال است. می گفتند کم است. گفتم شما بروید میزان تقاضای خودتان را بیاورید ببینیم چقدر است. میزان تقاضایشان حدود ۳۴ هزار میلیارد ریال بود، یعنی این را سال ۶۹ در آورده بودند که از ارزش به اصطلاح تولید ناخالص داخلی ما هم بیشتر است. یعنی میزانی که می خواستند در این قسمت، در این بخش سرمایه گذاری کنند از مجموع ارزش تولیدات کالا و خدمات در یک سال کشور هم بالاتر بود. این است که تقاضا در کشور ما بیشتر مترادف است با «آرزو» تا «تقاضای موثر» با تعریف علمی اقتصادی. هرکسی واقعاً دلش می خواهد کاری کند فکر می کند که تنها راه گشا پول است و سرمایه. عامل اصلی را این می داند، علی رغم این که بانیات فکریش هم نخواند، فکر می کند که اگر در بخشی ما فقط پول واریز کنیم حتماً آن بخش رونق پیدا می کند. اگر ما به این تقاضاها پاسخ بدهیم ارزش پول ما کاهش پیدا می کند و ما نمی توانیم بدهیم و نداریم. به همین دلیل است که بعضی ها شکوه می کنند از این که چرا نقدینگی کم است. ما به اندازه ای که تولید ناخالص داخلی کشور بالا رفته، به آن اندازه ای که کالا یا خدمات افزایش پیدا کرده، به همان اندازه نقدینگی را رشد دادیم. در سال گذشته - سال ۷۰ - رشد نقدینگی ما ۲۴/۵٪ بود که رقمی بالاست. در حالی که رشد تولید ناخالص داخلی ما ۱۰٪ بود و شما می دانید هر قدر بین رشد تولید ناخالص داخلی و رشد نقدینگی تفاوت باشد این تفاوت به صورت تورم در می آید و منعکس می شود روی قیمت های مختلف، چرا؟ به خاطر این که شما وقتی سرمایه گذاری می کنید خصوصاً در مرحله ای از توسعه کشور ما - که نمی خواهم بگویم مرحله به اصطلاح مرحله ابتدایی - ولی از مراحل اولیه توسعه است. یعنی شما این پول هایی را که می دهید به هر حال به خاطر کمبود بودجه می رود در سد سازی، نیروگاه.

کارخانه. شما وقتی پول را می‌ریزید برای تاسیس یک کارخانه، به صورت درآمد برای کسانی که در آن کارخانه کار می‌کنند درمی‌آید. آنها آن پول را وارد بازار تقاضا می‌کنند، بر تقاضای موجود اضافه می‌کنند در حالی که هنوز تولیدی در کار نیست. انشاء... این کارخانه ۶ سال دیگر، ۱۰ سال دیگر به اندازه ظرفیت کاملش تولید می‌کند این است که ما نمی‌توانیم چنین تقاضایی را به اصطلاح پاسخ دهیم.

راستی آیا تنها راه تأمین منابع گرفتن تسهیلات بانکی است؟ شاید راههای دیگری هم باشد که بتوان خود جامعه را بسیج کرد. همین انتشار اوراق سرمایه‌گذاری، انتشار اوراق مشارکت که توسط شرکتها می‌تواند صورت بگیرد. بانک بیاید اعلام کند که کارخانه‌ای قرار است تاسیس شود، ما یک سری اوراق مشارکت برای این کارخانه می‌خواهیم توزیع کنیم مردم شما هر کدامتان که علاقمند هستید بیایید اوراق مشارکت این کارخانه را بخرید. فرض کنید کارخانه سرب و روی بانک صنعت و معدن می‌خواهد توسعه پیدا کند، پول می‌خواهد این هم اوراق مشارکتش. شما بیایید اینجا آخر سال هم هر چقدر سود داد به شما می‌دهند. یعنی ما واقعاً باید بیاییم راجع به این روشهای نوین فکر کنیم. کارهای جدید بکنیم. ما که نمی‌خواهیم بعد از چند سال بگوییم آقا آنچه را که ما درباره اسلام فکر می‌کنیم نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای بالنده و روزافزون و فشرده اقتصادی ما باشد. اقتصاد ما در عرض این چند سال وارد مرحله نوینی شده است و با جنب و جوش شدیدی می‌خواهد این پوسته موجود را بشکافد و جلو برود. ما این نیاز را باید درک کنیم و درک این نیاز معنایش این است که به نیازهای جدید پاسخ بدهیم. ما در سطح سیستم بانکی نهایت تلاشمان این است که قانون را اجرا کنیم، روح آن را پیاده کنیم. و اولویت را به مسایل جدید بدهیم. در مورد مسایل جاری ما هرگز نمی‌گوییم که همه مقررات و همه آئین‌نامه‌هایی که تصویب کرده‌ایم مطابق النعل بالنعل در تمام شعب، ۱۱،۰۰۰ و اندی شعبه در سراسر کشور که الان وجود دارد اجرا می‌شود. مگر مقررات راهنمایی و رانندگی اجرا می‌شود؟ مگر سایر مقررات را همه اجرا می‌کنند؟ طبق آماری که به من داده‌اند، سالانه حدود بیش از ۱۰،۰۰۰ نفر را داریم آموزش می‌دهیم. دیگر از

این بیشتر؟ در سراسر سیستم بانکی در سراسر کشور. در موسسه بانکداری ایران در ادارات آموزش همه بانکها، که انواع کلاسهای آموزشی کوتاه مدت، بلندمدت، ... همه اینها در حال آموزش هستند.

سیستم بانکی ما بیش از ۱۱۵ هزار نفر هستند که سالانه ۸ - ۷ هزار نفرشان هم عوض می شوند، یعنی بازنشسته می شوند و افراد جدید می آیند و دوباره بازنشسته می شوند و افراد جدید می آیند. برای آموزش این پرسنل در حال تغییر یک سیستم خیلی وسیع و کارآیی وجود دارد. حالا انشاء... اگر همین سیستم در بخش عمومی هم باشد که مردم را هم با روح قانون آشنا سازد قطعاً مکمل بخش سیستم بانکی می شوند.. انشاء... می توانند این روح را در عقود اسلامی نیز پیاده کنند تا دیگر مشکلی وجود نداشته باشد، تا نیابند و صوری معاملاتی را انجام دهند. در فکرشان چیز دیگری باشد و در کاغذ چیز دیگری را امضاء کنند. این از مرحله اولش.

مرحله دومش هم واقعاً امیدوارم که آقایان بنشینند، صحبت کنند و ببینند که ما چه کارهای دیگری می توانیم بکنیم. آیا فقط واقعاً ما تمام نیازها مان را متکی بکنیم بر سیستم بانکی و به این کارها یا این که بتوانیم انشاء.. از راههای جدید استفاده کنیم. راههای بحث تورم، بحث کاهش ارزش پول را بتوانیم به درستی عنوان کنیم و ببینیم این مطالعات به چه ترتیب می تواند شکل بگیرد و جلو برود. به هر حال الان مدتی است که در سیستم بانکی داریم کار می کنیم، با مقام ریاست جمهور مطرح کردیم. قرار است که جلسه خاصی هم خدمت مقام معظم رهبری در این مورد داشته باشیم. بنده خدمت آیت... العظمی گلپایگانی رسیدم. در این مورد صحبت کردیم، خدمت آیت... مشکینی، خدمت آیت... واعظ زاده، خدمت آقایان مختلف رسیدیم، در این مورد صحبت می کنیم که واقعاً بحث ارزش پول را چگونه ما می توانیم مطرح کنیم. اینها سؤال است. اما چنین استنباطی از صحبت ما نشود که وقتی این حرف را می زنیم معنایش این است که ما الان در سیستم بانکی داریم این کار را پیاده می کنیم. نه ما فعلاً در سیستم بانکی در چارچوب آنچه که داریم. داریم عمل می کنیم ولی در این مورد به عنوان

سؤال داریم مطرح می‌کنیم. امیدوار هستیم، شما هم مطرح بکنید. شما هم راهنمایی بکنید. آن دسته از عزیزانی که بهر حال از مسائل فقهی و شرعی آگاهند، به ما کمک کنند. متخصصین دانشگاهی که در این مورد بررسی کرده‌اند به ما کمک کنند، راهنمایی کنند تا ما بتوانیم این مطالب را به اصطلاح جلوتر ببریم. اجازه بدهید که خصوصاً از حضور حضرت آیت‌... رضوانی عضو محترم فقهای شورای نگهبان و کسی که بیشترین زحمات را برای نظام بانکداری اسلامی کشیده‌اند به عنوان نماینده حضرت امام، به عنوان نماینده شورای نگهبان تشکر کنم، به خاطر تشریف فرمایشان. امروز به اطلاع همه شما برسانم که جلسه‌ای در کنار این سمینار خواهیم داشت در خدمت ایشان، خدمت چند تن دیگر از فقهای محترم شورای نگهبان: حضرت آیت‌... جنتی، حضرت آیت‌... مومن، حضرت آیت‌... سید کاظم حائری که از قم تشریف می‌آورند و چند تن از دیگر عزیزان که قرار است میزگردی داشته باشیم درباره سیستم بانکداری موجود، نظام اجرایی موجود و مسایل جدید در آینده یک میزگرد مفصلی داشته باشیم که راجع به همه این مسائل صحبت کنیم. امیدوار هستیم که انشاء... مشکلات ما از این جلسه، بیرون بیاید و مابعد از این سمینار یک قدم به جلو برداشته باشیم. از این که تصدیع دادم معذرت خواهی می‌کنم و از حوصله‌تان تشکر می‌کنم. از حضرت آیت‌... رضوانی هم خواهش می‌کنم که با راهنماییشان ما را مستفیض نمایند. /ب

والسلام علیکم ورحمة... و برکاته